



به قلم آزاده جهان احمدی

www.ketab.ir



اشارات روایت فتح

هرگونه بهره برداری متنی، صوتی، تصویری و نرم افزاری  
(نشانه های اجتماعی، پادکست و ...) از کل اثر مجاز نیست  
(استفاده تبلیغی و ترویجی کوتاه بلامانع است).

## زندگی

آیت الله سید علی آقا قاضی طباطبایی تبریزی  
به قلم آزاده جهان احمدی

نوبت چاپ: دوم، ۱۴۰۲، شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

مدیر هنری: احسان حسینی

نقاشی روی جلد: کاظم علی رضا

نام نوشته روی جلد: مهدی دقیقی

لیتوگرافی و چاپ: گل وردی

ویراستار: فاطمه السادات حیاتی طهرانی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۰-۵۳۹-۷

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

در این کتاب املائی و ازگان، براساس دستور خط فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

حقوق چاپ و نشر برای روایت فتح محفوظ است.

جهان احمدی، آزاده ۱۳۵۹-

زندگی آیت الله سید علی قاضی طباطبایی تبریزی / به قلم آزاده جهان احمدی، ویراستار فاطمه السادات  
حیاتی طهرانی.

تهران: انتشارات روایت فتح، ۱۴۰۲، ۸۰ ص، تصویر.

ISBN: 978-600-330-539-7

وحیث فهرست نویسی: ملیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۷۷-۷۸.

۱. قاضی طباطبایی تبریزی سید علی، ۱۳۲۵ - ۱۳۲۵.

۲. میجدان و هلم - ایران - سرگذشته

۳. Ulama -- Iran -- Biography

ردمندی کنگره: ۳/BP۵۵

ردمندی دیویی: ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۲۷۶۷۷

دفتر: ۸۸۸۰۹۷۴۸، فروشگاه: ۸۸۸۹۷۸۱۴، پخش: ۸۸۸۵۳۹۰۸

نشانی: تهران، میدان فردوسی، خیابان شهید سپهبد قرنی، شماره ۱۶

www.revayatfath.ir

## ❖ مقدمه نویسنده

همه آن‌هایی که گلرشان به دانشگاه ورشته‌های زیر مجموعه الهیات افتاده است، حتماً نام او را شنیده‌اند. آوردن نامش در هر روایت و خاطره یا دستور عبادی و سلوکی به خودی خود یعنی اعتبار، و این اعتبار کم نیست. همین قدر که شنونده با شنیدن اسمش بگوید آهان خوب فهمیدم، پس درست است حتماً.

یک انسان چگونه می‌تواند تمامی عمرش خداگونه بوده باشد تا بعد از گذشتن نزدیک به یک قرن از درگذشتش، فقط نامش اعتبار و شناسنامه عرفان باشد. می‌توانست مثل دیگران به دنبال زندگی و روزمرگی برود. به دنبال همین روزانه‌ها که بیشتر ما را مشغول کرده، نه ما که همه بشر را مشغول تکرار کرده است و اگر چنین می‌شد تاریخ تشیع سیدعلی قاضی طباطبایی را کم داشت. یک عارف و اصل که ادا بازی و صوفی‌گری بلد نبود. جدایی طریقت و حقیقت و شریعت را نمی‌شناخت. او فقط اهل خدا بود....

آن وقت ما در پس غبار همین قرن‌ها سرگشته‌تر از الآن بودیم.

شصت، هفتاد سال پیش مردم عراق و رهگذران کوچه‌های نجف در مسیرهای منتهی به حرم حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، در خیابان‌های کربلا و جاده‌های کوفه، پیرمردی معمم و سیدرامی دیدند که عصا داشت و نگاهش بر زمین بود. می‌دیدند که اولنگ لنگان و آرام راه می‌رفت. پیرمرد اهل ذکر بود. او گاهی در غبارهای مه‌آلود عراق ناپدید می‌شد و بعد از مدتی بازمی‌گشت؛ بی حرف و ادعا.

البته هنوز و همچنان زندگی و سرگذشت سیدعلی در هاله‌ای از غبار است؛ غباری خودخواسته، می‌خواست که گمنام بماند. خواستش هم شبیه خواستن دیگران نبود، خاص بود. انگار وجهه‌همتش بود. برای همین هم وقتی بچه‌ها یا نوه‌ها «آیت‌الله» صدایش می‌کردند، بُراق می‌شد که «یعنی چه؟ من کسی نیستم.» و «کسی نیستم» او اصلاً تعارف نبود. شکسته‌نفسی نمایشی نبود که ته دل صاحبش قند آب کند.

«کسی نیستم» و اصرار بر گمنامی‌اش از همان موقع از دل تاریخ تا همین الآن که شما این کلمات رامی‌خوانید همراه اوست.

کتاب زندگینامه‌ی داستانی سیدعلی قاضی دریچه کوچکی برای آشنایی با اوست. آشنایی با مردی که از روی زبان بودن و به چشم آمدن فراری بود.

نوشتن از مردی که همه‌همتش دیده نشدن است، محال نیست، اما بغایت سخت است. سلسله حوادث زندگی سیدعلی بعد از اجتهاد تا چهل سالگی سکوت مطلق تاریخ است که عملاً در این سکوت زنجیره‌ی توالی حوادث زندگی او پاره شده است. در این کتاب تا جایی که می‌شد تکه‌های پازل زمانی در کنار

هم قرار داده شده و یک خط سیر طبیعی استخراج شده است، اما این خط از جایی کاملاً محو شده است. برای همین در این اثر اتفاقاتی که از وقایع یا مواجهه افراد با ایشان رخ داده است، در بخش‌هایی جداگانه به شکل داستان روایت شده است.

بدیهی است تخیل نویسنده فقط تا جایی رخ عیان کرده که به اصل روایت لطمه نزند و در عین حال اثر را جذاب و خواندنی کند.

گفتنی است، به جز اندکی از شاگردان او کسی در زمان حیاتش از قدرت سلوکی‌اش خبر نداشته است و به همین دلیل در گفت‌وگوهایی که با فرزندان ایشان صورت گرفته است، جز بیان یک سری حالات و رفتارهای پدران و عادی مطلب جدیدی یافت نمی‌شود.

در این کتاب از بیان برخی مسائل عرفانی، عامدانه پرهیز شده است. موضوعات سلوکی نیازمند پیش‌زمینه و پیوست فرهنگی معرفتی هستند. به همین دلیل فقط به موضوعات درخور توضیح برای مخاطب اشاره شده است. با همه این اوصاف نویسنده این کتاب کوشیده تا بتواند برای خواننده تصویری نسبتاً کامل از سیدعلی ترسیم کند.

صاحب این قلم ادعایی ندارد و خوب می‌داند کارش با کاستی روبه‌روست. از این رو با شوق و آغوش باز پذیرای نظرات انتقادی شماست.